

## لزوم تحول در وظائف زندان

برای پایه‌گذاری زندانی که هدف آن خدمت بجامعه و فراهم آوردن امن و امان برای افراد باشد در غل و زنجیر کردن موقت خاطیان و تجاوزکاران کافی نیست. برعکس زندان باید موسسه‌ای نظیر بیمارستان باشد که هدف آن رفع درد و آلم از مریض و مانع پخش میکرب انحراف از قانون در میان اجتماع باشد. برای حصول باین هدف عالی باید اولاً متصدیان امور زندان در شناسائی علل مجرمیت کسانی که محکومیت پیدا میکنند بصیر و در نحوه معالجه ایشان خبیر باشند. بعلاوه این حقیقت باید طبق قاعده علیت از نظر عموم مخفی و مستور نماند که سبب اصلی و حقیقی تبه‌کاری يك فرد آزاد تنها ارتکاب جرم و تجاوز بحقوق اجتماع نیست بلکه ریشه این تخطی و تجاوز ناشی از علتی جسمانی - روانی و یا اجتماعی است. صرف محروم داشتن موقت بشر از معاشرت همزود خود نه تنها مداوا کننده درد نیست بلکه مسکنی است که عواقب خطرناک در روح و جسم وی باقی میگذارد و همین آثار بالمآل ضربه محکمتری بر پیکر اجتماع میزند. از آغاز تاریخ تاکنون در جوامع مختلف انواع سیاستها و مجازاتها درباره خاطیان اجتماعی معمول شده ولی هیچگاه ارتکاب جرم و جنایت متوقف نگردیده است. شدت عمل در اجراء سیاست ممکن است چند صباحی میزان ارتکاب جرائم خاصی را تقلیل داده باشد ولی پس از اندک مدتی عواقب خطرناکتری بیار آورده است. اگر بتاریخ قرون وسطی بنگریم خواهیم دید که چه بسیار جرائم که تنها بخاطر وجود مجازات شدید ارتکاب شده است. در آن زمان مجازات سرقت قرص نانی اعدام بود. چه بسا گرسنه‌ای که برای سدجوع بناچار دست بر بودن قطعه نانی آلوده است ولی برای حفظ جان و رهائی از کیفر اعدام ناظری را که شاید ویرا گرفتار نیز نمیکرده بقتل رسانیده است. نظایر و اشباه همین امر را در اطراف و اکناف دنیای امروز نیز بسیار میتوان یافت. مثلاً قانون لیندبرگ در امریکا سزای ربودن شخص را اعدام قرار داده است. چه بسا کسانی که بقتل نمیرسیدند ولی همین قانون ربانیده را از جهت فرار از مجازات اعدام و ادار کرده است که قربانی خود را بکشد تا با امحاء دلیل مفری برای جان خود پیدا کند.

منظور از بحث فوق آنستکه مجازات تنها مسکن موقت

است و نه درمان درد. محبوس کردن عده‌ای منحرف تجاوزکار در محوطه‌ای بنام زندان برخلاف تصور عموم بایشان فرصت بیشتر عطا میکند تا با یکدیگر تعاطی افکار کنند و عهد و میثاق به بندند تا پس از رهائی از بند با مهارت بیشتر و اشتراك مساعی زیادتر با نیروی شگرف اساس نظم اجتماع را مختل سازند. تحقیقات متعدد درباره چگونگی تکوین باندهای بزرگ مجرمین این نکته را روشن ساخته است که همکاری مجرمین برای دست آوردن بجنایات مخوف بیشتر در محیط زندان شالوده ریزی شده و ریشه دوآنبده و در خارج بار و ثمر آورده است. بعلاوه محیط زندان برای بسیاری از مجرمین استراحتگاه است. باین معنی که پس از ارتکاب جنایات و دستگیری مدتی در زندان بتجدید قوا و تمدد اعصاب میپردازند و پس از رهائی از زندان با نیروئی بیشتر فعالیت میکنند.

اشکالات فوق که مصداق واقعی مسائل موجود کشور مارا در حال حاضر تشکیل میدهد از اینجا ناشی است که زندان بطور کلی صورت قدیمی خود را حفظ کرده است و با آنکه در تمام شئون اجتماعی و مظاهر تمدن جهان پیشرفتهای محیرالعقول صورت گرفته است هنوز نحوه رفتار با مجرمین صورت قدیمی و کهنه خود را که تنها اجراء مجازات بدون اقدام باصلاح و تفسیر رفتار مجرمین است حفظ کرده است. با توجه باینکه فعل و انفعالات و تماسهای اجتماعی دوره صنعتی جدید دائم التزاید است و یکی از پدیده های غیر قابل اجتناب این تماسها افزایش میزان جرائم است باید اذعان کرد که زندان قدیم و تشکیلات باستانی مجازات که متاسفانه ما وارث آن هستیم نمیتواند جوابگوی تمام آلام امروزی ما از جهت مبارزه با جرائم باشد. علت آنکه گفته شد باید دگرگونی عظیمی در زمینه سازمان و وظایف زندان معمول شود و وضع آن بصورت یک بیمارستان تغییر شکل یابد آنستکه وقتی محکومی بچنین موسسه‌ای تحویل شود بتوان اطمینان و اثق داشت که در زمان ترخیص رفتار اجتماعی وی انحرافی نیست. وصول باین هدف ممکن و میسر نمیشد مگر آنکه مامورین زندان از میان متخصصینی خبیر و بصیر در زمینه تشخیص مشکل و درمان درد انتخاب شده باشند و برای انجام کار خود از یک برنامه صحیح درمانی با اسلوب صحیح علمی تبعیت و بحاصل کار خود اعتماد داشته و امیدوار باشند. در چنین صورتی مامورین زندان ارزش بیشتری برای کار خود قائل خواهند شد و علاقه و توجه صمیمانه تری نسبت بفعالیت خویش ابراز خواهند داشت.

دنیای امروز این حقیقت بارز را قبول کرده است که اجراء محکومیت صرف و قرار دادن مجرمین در چهار دیواری زندان اصلاح کننده رفتار و کردار ایشان نیست و بالمآل نمیتواند در صیانت اجتماع در مقابل خطر ارتکاب جرم اثر اساسی داشته باشد

محققین و مجرمین و متخصصین علوم کیفری بضرط قاطع عقیده دارند نگاهداری مجرمین بدون اجراء برنامه های اصلاحی در زمینه تغییر فکر مجرم نه تنها موثر نیست بلکه از نظر روحی و پرا خشن تر میکند و آتش خشم و قصد انتقامجویی را در نهاد او سوزانتر مینماید. به تبعیت از این افکار و وقوف بر این معایب است که توجه صرف با اجراء مجازات در جوامع توسعه یافته دیگر طرفداری ندارد. در عوض دنیای مترقی قدمهای اساسی و متعدد دیگری در زمینه مقابله با جرائم برداشته است. هدف اساسی برنامه های اساسی زندانهای امروز بیشتر اصلاح بزهکار است نه انتقامجویی و اجراء مجازات. اگر در جامعه ای فلسفه عبرت قرار دادن سرنوشت مجرم تحت تاثیر عقائد باستان - سنن، عادات و آداب جوامع مختلف بشری هنوز تعقیب میشود ولی هدف نهائی این موسسات بیشتر تربیت بزهکار و تغییر شخصیت اوست بنحوی که بتواند عنصری مفید و شریف برای اجتماع باشد. بنا بر این اگر بانظری وسیع بوظائف يك زندان بنگریم بطور کلی هدفهای آن را میتوان بشرح زیر خلاصه کرد: (۱)

۱ - حفاظت و صیانت اجتماع از خطر تجاوزات مجدد تبه کاران.

۲ - جبران صدماتیکه در نتیجه جرم ارتكابی بر پیکر اجتماع وارد شده است. چنانکه اشاره شد.

انتقامجویی اجتماع از مجرم هنوز یکی از هدفهای اصلی اجراء کیفر را تشکیل میدهد و منظور اساسی از آن تسکین آلام اجتماعی و مرهم نهادن بر جراحت وارد شده ناشی از عمل مجرم است. ۳ - عبرت قراردادن سرنوشت مجرم برای سایر افراد اجتماع.

۴ - مسلوب القدرت نمودن خاطی از نظر ارتكاب مجدد جرم (۱)

۵ - تغییر سلوک مجرم. این روش امروز بیشتر طرف تمایل و توجه قرار گرفته است و اساس کار سازمانهای زندان عصر حاضر را در کشورهای توسعه یافته تشکیل میدهد. هدف این روش

۱ - بماخذ زیر مراجعه نمایند:

Paul W. Tappan, Contemporary Correction, McGraw-Hill Book Company: New York, Chapter 1.

۱ - سلب توانائی از مجرم ریشه قدیمی دارد باین معنی که در قدیم با قطع جوارح و اجراء انواع مختلف تنبیهات بدنی از تبه کار قدرت ارتكاب مجدد جرم را از او سلب میکردند. این روش گاهی با تغییرات اساسی در اصول کیفری امروزی نیز در مورد ارتكاب پاره ای از جرائم تجویز میشود. مثلا با اخته کردن کسانی که مرتکب جرائم ناموسی و منافات غفت میشوند تکرار جرائم مشابه را از مجرم سلب میکنند.

اینستکه تطبیق و سازشی میان رفتار مجرمین با عرف اجتماع بر قرار سازند و ویرا با احترام گذاشتن بسنن - قواعد و قوانین اجتماع معتاد نمایند .

۶ - اخذ جریمه بعنوان نوعی مجازات و بمنظور غرامت نقض حقوق و حدود اجتماع و تحمیلی که بر هزینه های کشوری شده است .

مهمترین اشکالی که در زمینه اصلاح رفتار و سلوک مجرم موجود است معطوف به تغییر ارزشهایی است که قبل از محکومیت در ضمیر وی بوجود آمده و موجب آن شده است که وی دست بجرم و جنایت بیالاید . اشکال مزبور آنستکه تجارب شخص در زندان چنانکه اشاره شد غالباً سبب تقویت بیشتر تمایلات جنائی وی میشود و در حالیکه از نظر روحیه - رفتار و سلوک در وضع خطرناکتری است بجامعه عودت داده میشود ، با توجه به مراتب فوق وظائف اساسی هر زندان را در سه موضوع اساسی زیر میتوان خلاصه کرد :

۱ - حفظ جامعه از خطر تجاوز مجرم ۲ - اجراء مجازات درباره تبهکار ۳ - اصلاح رفتار و کردار بزهکار .

تجزیه و تحلیل دقیق وظائف و هدفهای فوق روشن خواهد کرد که در امر مبارزه با جرائم اتخاذ چه سیاستی بیشتر برای جامعه ما مفید است . چنانکه اشاره شد نگهداری مجرم در چهار دیواری زندان تنها مسکنی است برای جامعه و مجرم هردو . زیرا پس از ارتکاب جرم برای تسکین حس انتقامجویی و همچنین صیانت جامعه در برابر تجاوزات بیشتر مجرم ویرا در زندان محسوس مینمایند . این اقدام یعنی صرف جدا کردن مجرم از جامعه بدون اجراء هیچگونه مجازات یا اقدام باصلاح رفتار وی در يك صورت میتواند مفید و خدمت واقعی با اجتماع محسوب شود و آن در صورتی است که مجرم برای ابد در زندان نگاهداری شود و اجتماع از شر تجاوزات وی همواره مصون بماند . این اقدام بدو دلیل ممکن نیست : اول آنکه سلب حق آزادی فرد برای هر بزه کوچکی عقلائی نیست . دوم آنکه اگر چنین اقدامی بعمل آید از نظر هزینه بزرگترین رقم بودجه کشور باید بان تخصیص داده شود و جمعیت کثیری بناچار باید عاطل و باطل در زندان نگاهداری شوند . بجهت فوق است که دو سیاست اصلی و اساسی کیفری دیگر یعنی اجراء مجازات در جوامع ابتدائی و اصلاح رفتار و کردار بزهکار در جوامع مترقی و یا توامی از ایندو سیاست برای حفاظت جامعه غالباً مکمل تدبیر اول یعنی نگهداری مجرم در زندان قرار داده شده است .

در سیستم زندان کشور ما فقط به اجراء صورت ناقصی از وظیفه اول وظائف سه گانه فوق بقصد تشبیه خاطی و عبرت قرار

دادن سرنوشت وی برای دیگران اکتفا شده است یعنی فقط مجرم را بـمـدنهـای مختلف در چهار دیواری زندان نگاهداری میکنند بدون آنکه اقدام دیگری درباره آنها معمول دارند. با آنکه قانونگذار قانون مجازات عمومی ایران هدف دوم را که اجراء مجازات است بانحاء مختلف پیش‌بینی نموده و حبسهای مختلف موقت تکذیری - تادیبی مجرد - با اعمال شاقه و حبس موبد با اعمال شاقه را مقرر داشته است مع‌الوصف تا این زمان هیچگاه انواع مجازاتهای مزبور درباره مجرمین معمول و مجری نشده است مهم‌ترین عمل زندان از بدو تاسیس این بوده است که از محکومین در زندان های دستجمعی بوسائل مختلفی پذیرائی بعمل آمده و سپس آنها را مرخص نمایند. در زندانهای کشور هیچگونه اقدامی که منظور قانونگذار قانون مجازات عمومی را تامین نماید معمول و مجری نشده و بهمین قیاس طبیعتا اقدامات اساسی برای اصلاح مجرمین نیز در حداقل امکان بوده است.

سیستم زندانهای ایران خصوصا زندان قصر تهران هرچند از نظر اقتصادی مقرون بصره است و میتوان عده زیادی را در آن نگاهداری کرد ولی از نظر اخلاقی و معنوی خطرناک و زیانبخش است زیرا حاصل این طرز سلوک آنستکه:

۱ - در داخله زندان يك گروه از بزه‌كاران واقعی و تبه‌كاران حرفه‌ای تشکیل میشود و احتمال بروز فساد در آن بیش از امکان اصلاح مجرمین است.

۲ - این سیستم برخلاف عدالت و مابین با نظر قانونگذاران است زیرا کسانیکه انحراف اجتماعی آنها کمتر است در محیط نا بهنجار زندان و تماس دائم با جانباختگان و رنج و تعب بیشتری تحمل میکنند.

۳ - سیستم اجتماعی داخل زندان بنحوی است که محکومین ضعیف تحت فشار شدیدتر قرار میگیرند.

۴ - بسط آمیزش - وجود اشتراك منافع - جبر و فشار محیط - بیکاری شدید موجبات نزدیکی بیشتری را میان زندانیان فراهم میکند.

با اینجهت با تبادل افکار - بیان وقایع گذشته و کیفیت دستگیری و غیره بر موز و فنون ارتکاب بزه بیشتر واقف میشوند.

۵ - انس والفت - رفاقت و مودتی که در محیط زندان میان زندانیان بوجود میآید همکاری ایشان را بصورت دستجمعی در خارج تسهیل مینماید و موافق و عهد میان آنها در داخل زندان پس از ترخیص از طریق دست آوردن بجنایات هولناک بموقع عمل و اجرا گذاشته میشود.

۶ - اگر در سایر کشور ها گاهی اضطرابا حبس دستجمعی اجرا میشود لاقلا زندانیها بیکار نیستند و تحت نظم و ترتیب معینی

بکار گه داشته میشوند و اوقات خواب و بیداری خوراک و استراحت آنها تحت انضباط و قاعده خاصی معین میشود. در زندانهای ما کار و انضباط معنی و مفهوم خارجی ندارد. زندانیها هر وقت بخواهند میخوانند و هر وقت خواستند بیدار میشوند و هر ساعت میل کردند غذا میخورند. اوقات خود را بولگر دی - قمار - نزع - استعمال مخفیانه حشیش - افیون - قصه گوئی - تعلیم و تعلم طرق مختلف دزدی و تبهکاری میگذرانند (۳)

عواقب خطرناک در روح و جسم وی باقی میگذارد و همین آثار باکمال ۷ - زندانهای دستجمعی علی الاطلاق از نظر رواج اعمال منافی اخلاق و بسط روابط انحرافی جنسی فاسدترین نوع زندان محسوب میشود.

۸ - در سیستم زندانهای ایران اصل طبقه بندی مجرمین بهیچوجه رعایت نشده و تنها جدا کردن نسوان از مردان و اطفال صغیر از مجرمین بالغ اکتفا شده است.

۹ - با تمام جدیت و کوششی که بعمل آمده است هنوز موجبات آشنا کردن زندانیان بحرفه و شغلی که بتوانند پس از ترخیص از زندان بآن مشغول شوند و مجدداً گرد ارتکاب جرم نگردند فراهم نشده است. هر چند اخیراً کارگاههای کوچکی بمنظور فوق تاسیس شده است ولی با کثرت جمعیت زندان اقدام فوق عمومیت نیافته است بعلاوه نه تنها کار در زندان اجباری نیست بلکه در بسیاری از موارد زندانیان برای فرار از بیکاری باید مشتاقانه مدتها در انتظار بمانند تا کاری بآنها ارجاع شود. با آنکه قانون مجازات عمومی ایران حبس با کار و اعمال شاقه را پیش بینی نموده و دادگاههای جنائی نیز بر حسب اقتضاء جنایتکاران را بزندان با اعمال شاقه محکوم میکنند معذالک قانون و حکم دادگاه هیچگاه درباره محکومین اجراء نشده است و این اشخاص نیز مثل سایر محکومین بولگر دی در محیط زندان اشتغال دارند. کارگاههای جدید التاسیس زندان هم که اخیراً با سعی بسیار سازمان زندان و توجه مخصوص شهربانی کل کشور در تهران تاسیس شده است قادر نیست تمام زندانیان را بخدمت بپذیرد و فقط عده بسیار معدودی در این کارگاهها فعالیت دارند.

گرچه غیر از کار در کارگاهها مشاغل دیگری نیز از قبیل بقالی - فوه چپی گری - میرزا بنویسی - جارچی گری - نظیف اطاقها و مستراحها و غیره برای تامین حوائج روزمره اداره امور

۳ - محمد تقی طباطبائی - رساله تحقیق زندانهای ایران - موسسه علوم اداری و بازرگانی دانشکده حقوق صفحه ۹. همچنین برساله سازمان زندانهای ایران تالیف د.وچهر معیری - رساله تحقیقی موسسه علوم اداری و بازرگانی - دانشکده حقوق مراجعه شود.

تاسیسات زندان موجود است ولی متاسفانه انجام غالب این امور که همه زندانیان باید در انجام آن متساویا مشارکت داشته باشند و تحت قاعده و نظم خاصی صورت پذیرد در اختیار محکومینی که میان سایر زندانیان سمت رهبری احراز کرده‌اند قرار دارد. طبیعتا مشاغل پر منفعت - راحت و بی‌دردسر را خود تصدی مینمایند و کارهای سخت - کثیف و پر مشقت را ب دیگران که از حیث شان و مقام و حیثیت اجتماعی در مراتب پائین قرار دارند واگذار میکنند. در میان زندانیان آنانکه باعدم یا حبسهای طویل‌المدت محکومیت یافته‌اند بجهت ارتکاب جرائم شدیدتر در زندان بسر میبرند و یا بسبب تعدد و تکرار جرم دارای مقام شامختر و منزلت بیشتری هستند و تازه واردین و محکومین به حبسهای کوتاهتر و جرائم سبکتر بناچار باید از ایشان تبعیت و اطاعت نمایند.

این نکته در اینجا لازم بتوضیح است که همواره اداره زندان با فداکاری زیاد جدیت وسیعی فوق‌العاده در استقرار نظم و انضباط کامل میذول داشته‌است ولی ضیق بودجه، فقدان وسائل و عدم دسترسی بمتخصصین و بالاخره فراهم نبودن زندانهای متعدد که انجام طبقه‌بندی زندانیان را ممکن سازد موجب بقاء وضع اسفناک فوق است (۴)

۱ - از نظر سلوک بازندانی بهیچ وجه من‌الوجه فرقی میان يك بازداشتی و يك زندانی نیست الا اینکه در تهران بازداشتیها در بازداشتگاههای موقت کاخ دادگستری - آگاهی و شهربانی بسر میبرند و محکومین غالبا در زندان قصر. فقدان وسائل موجب شده است که در شهرستانها غالبا بازداشتیها و محکومین اعم از بالغ و صغیر در يك محل نگاهداری شوند. باین ترتیب ملاحظه میشود که اگر شخص محترمی تنها بصرف اتهام وبدون هیچ‌گناه طبق قرار صادره از طرف بازپرس بازداشت شود بناچار و باجبار باید ویرا در کنار مجرمی خطرناک قرار دهند و یا طفلی را در جوار تبهکاری خطرناک نگاهداری نمایند. عدم توجه بامور زندان ها و همگام نکردن پیشرفتهائیکه در سایر شئون اجتماعی کشور بوجود آمده با تحولاتیکه باید در سازمان و وظایف سازمان زندان صورت گیرد موجب شده است که این دستگاه تا این درجه عقب افتاده وازلحاظ انجام وظیفه خطیری که بعهده دارد عاجز و ناتوان باشد. مطالبی که فوقا درباره وضع زندانهای کشور بیان شد تنها شمه‌ای از مسائل بیشماری است که فعلا سازمان زندان کشور باآن مواجه است. از نظر اصول علمی چنانکه بحث شد مجازات تنها یکی از

۴ - شهربانی کل کشور در سالهای اخیر دوره‌های تخصصی زندانبانی و مدیریت برای آموزش افسران و تربیت مامورین ذیصلاحیت تاسیس نموده و تدریجا موجبات آشنائی مامورین خود را بقنون جدید زندانبانی فراهم نموده‌است.

تدابیری است که منظور از تاسیس زندان را تامین میکند. در جوامع اولیه دو روش اساسی در مورد تبهکاران مجری و معمول است. باین معنی که مجرمین یا مجازات میشوند و یا آنکه اساساً هیچگونه اقدامی در مورد عمل آنها صورت نمیگیرد. ولی در جوامع متمدن امروزی میزان افزایش و تخفیف روشهای جزائی با تغییرات در اتخاذ تدابیر لازم جهت درمان بزهکاران نسبت معکوس دارد یعنی آنکه هر قدر مقررات جزائی خفیفتر شود مساعی بیشتر در زمینه درمان تبهکاران مبذول میشود.

در سیستم درمانی واجتماعی شخصیت مجرم و شرائط اجتماعی موجود در زمان ارتکاب جرم تجزیه و تحلیل میشود و از طریق درک محیطی که فرد را بورطه ارتکاب جرم سوق داده است برقع موجب و علت میپردازند. این طریقه را میتوان با روشهای معمول در طب و علوم اجتماعی مطابقت داد و با سیاستی که علماء این علوم برای رفع آلام مبتلایان مربوط در پیش میگیرند مقایسه نمود. اصول روشی که در اواخر قرن نوزدهم و ابتداء قرن بیستم از طرف سزار لمبروزو بنیان گزار علم جرمشناسی شالوده ریزی شده با تحولات و پیشرفتهائیکه در آن بعمل آمده است امروز در کشورهای راقیه سیستم اساسی تسلیح اخلاقی تبهکاران را تشکیل میدهد. هدف این روش تعدیل رفتار و کردار مجرمین و فراهم آوردن وسیله تطبیق ایشانست با اجتماعیکه در آن زندگی میکنند. مبانی این طریق براین اصل مستقر است که اجتماعات مختلف میتوانند شخصیت مجرمین را بهر صورت و هر کیفیتی که مورد تمایل باشد تغییر دهند و تمایلات و علائق و ارزشهای آنها را بجهات مورد دلخواه متوجه نمایند. (۵) این عقیده اصولی در مقابل سیاست جزائی کلاسیک قدیم و عقائد بکار یا که اجراء يك نوع مجازات را برای جرائم بخصوص پیشنهاد میکرد ابراز شده است و طرفداران این عقیده امروز رو بتزاید است و با تحولات - توسعه و نضج اساسی وسیله مبارزه با جرائم را در کشورهای متری تشکیل میدهد.

تحقیقات بیشمار علمی و تاریخی نشان میدهد که مجازات اثری اساسی در تقلیل جرائم ندارد بلکه دلایل زیر بالعکس موجب افزایش آن میشود:

۱ - مجازات زندان غالباً روح انزوا و اعتزال را در شخص تقویت میکند و سبب میشود که شخصیتی غیر اجتماعی در مجرم بوجود آید و با اجتماع خصومت و عناد بورزد. وقتی تنها هدف از

۵ - بیاخذ زیر مراجعه شود:

Edwin H. Sutherland, & Donald Cressy, Principles of Criminology, J. B. Lippincott Company, Chicago, 1960, P. 310.



زندان اجراء مجازات باشد نتیجتاً شخص بزهار از گروهها و افرادی که مطیع قانونند و بمقدسات اجتماعی احترام میگدارند جدا میماند و از مزایای همزیستی با اجتماع سالم عملاً محروم میشوند. (۶) بعلاوه حالتی توأم با انزجار و تنفر بصورت متقابل میان مجرم و اجتماع بوجود میآید باین معنی که تنفر جامعه از شخص مجرم موجب تقویت انزجار بزهار از اجتماع میشود و بنا براین هیچگاه حالت همزیستی - همگامی و اتحاد منافع و اشتراك مساعی میان آنها بوجود نخواهد آمد.

بعلاوه با جدا کردن مجرم و اجتماع از یکدیگر یکی از دو حالت ذیل لامحاله تحقق خواهد پذیرفت:

الف - با آنکه زندانی باید با مجرمین دیگری که احتیاجات روانی وی را ارضاء میکنند و برای او ارزشی قائلند آمیزش کند که حاصل آن در چنین صورتی تقویت روحیه حیات آمیز وی خواهد بود.

ب - و یا آنکه بکلی از دیگران احتراز کند و تنها سربرگریان خویش فرو برد که نتیجتاً از نظر روانی موجبات عدم ثبات - کسالت روحی و واژگونی شخصیت اجتماعی وی را فراهم خواهد کرد. آنچه در کشور ما درباره زندانیان معمول میشود آنستکه دیر یازود همه از زندان مرخص و با اجتماع عودت داده میشوند. حتی کسانی که بحبس موبد با اعمال شاقه محکومیت یافته‌اند نیز دیر یازود تحت عناوین مختلف از قبیل بخشودگی و عفو عمومی و غیره بالمال از زندان رها شده و تمام مدت عمر را در زندان نمیگذرانند. تاریخچه زندان ایران نشان نمیدهد که هیچکس بیش از پانزده سال در زندان باقی مانده باشد. با این کیفیت چگونه ممکن است از شخصیت هائیکه بیکی از دو صورت فوق تغییر حالت داده‌اند انتظار اطاعت از قانون داشت؟

۲ - مجازات زندان موجب میشود که مجرم پس از ترخیص از زندان بیشتر درباره رفتار و اعمال و کردار خود محتاط باشد. ولی این احتیاط ظاهری است و بیشتر در مورد اعمالی است که با نرم اجتماعی مطابقت و سازش دارد و الا با تامل درباره عواقب و نتایج اعمالی که ویرا سرانجام بزندان بکشاند در خود احساس مصونیت میکند. بعلاوه در زمینه اجتماعی که مجرم مایل است در آن بزندگی خویش ادامه دهد بلحاظ اعتیاد بمحدودیت محیط زندان را مساعد تر می‌بیند و خوی او بیشتر بازندان سازگار است. پس اثر روحی مجازات زندان تنها تقویت جنبه احتیاط کاری است

۶ - بماخذ زیر مراجعه شود:

Donald Cressy, Changing Criminals: The application of Differential Association American Journal of Sociology, 61: 116-120 September, 1955.

در وی که نتیجه آنها بطوریکه از تجزیه و تحلیل فوق استنتاج میشود مضر و خطرناک بحال اجتماع است .

۳ - چون از نظر قانونی میان کسانی که فرضاً مرتکب سرقت کوچک میشوند با کسانی که در سرقت های بزرگ شرکت میکنند فرقی نیست و مجازاتی که برای آنها تعیین میشود و مدتی را که باید در زندان بسر برند بمیزانی واحد تعیین میشود لهذا مجرمی که در زندان بزندگی شرافت آمیز عادت داده نشده است و رفتار وی اصلاح نگردیده است با احتیاط بسیار و با تجربه های زیادیکه در زندان آموخته و به کمک همکاران و هم مسلکانی که در محیط زندان با آنها طرح دوستی ریخته است برای باردوم دست به سرقت های بزرگتر میزند و معدالک با حزم و احتیاط زیاد عمل خود را طوری انجام میدهد که احتمال دستگیری وی حد اقل باشد .

۴ - مجازات زندان اگر ظاهراً موجب آن شود که مجرم از کرده خود نادم و پشیمان گردد موجب بروز تمایلات دیگری و حالات انحرافی و نامساعد دیگری در وی خواهد شد . چون مبنای جلوگیری تبهکاران از ارتکاب جرم با اجراء سیاستهای کیفری تنها ترس است و سعی لازم مبذول نمیشود تا در احوال و شخصیت او تغییری داده شود اولاهمینکه موجبات ترس برطرف گردد گردنکشی وی مجدداً آغاز میگردد ثانیاً وجود ترس چنانکه اشاره شد خود موجب بروز حالات انحرافی دیگر در وی میگردد . بزرگترین مساله ای که در نتیجه اجراء مجازات حبس در شخص بوجود میآید زائل شدن حس عزت نفس وی است . عالیترین موهبتی که در ضمیر شخص بودیعه نهاده شده و ویرا از دست آلودن به بسیاری از امور مخالف اخلاق باز میدارد حس عزت نفس اوست . با زوال این حس نظارت دائمی و نهانی براعمال انسانی از بین میرود و در اینصورت باید يك وسیله کنترل خارجی همواره جانشین حس عزت نفس شود و از او مراقبت نماید و تنها تحت فشار خوف و بیم او را از ارتکاب اعمال منافی قانون باز دارد . (۷)

۵ - مجازات غالباً برای مجرمین وسیله احراز حیثیت و شئون اجتماعی است . در میان مجرمین مقیم زندان مقام و حیثیت اجتماعی افراد غالباً وسیله ماهیت جرم و کیفیت عمل خلاف قانون و درجه مجازاتی که درباره او مقرر شده است تعیین میگردد . (۸)

این نکته قبلاً تذکر داده شد که در زندانهای کشور ما معمولاً

۷ و ۸ - بماخذ زیر مراجعه شود :

Lucile Chase, Motivation of Young Children, University of Iowa Studies in Child Welfare, Vol. V and 3, March 1932.

Clorence Schrag, Leadership Among Prison inmates, American Sociological Review, 12-42 February, 1954.

کسانی دارای حیثیت بیشتر و مورد احترام قاطبه زندانیان هستند که بحبسهای طویل‌المدت محکومیت یافته‌اند.

حکومت و رهبری سایر زندانیان عملاً در دست اشخاص خطرناک و تبهکاران نابکار داخل زندان است و بحکم اجبار و وظائفیکه اصولاً برعهده ایشان قرار میگیرد معمولاً از طرف کسانیکه بتازگی داخل زندان شده‌اند و یا محکوم بمجازات خفیفتری شده‌اند انجام می‌پذیرد.

با توجه بمراتب فوق ملاحظه میشود که تنها نگاهداری و حفاظت عده‌ای مجرم بطور موقت در زندان دوای درد و وسیله مثبتی برای مبارزه با جرائم نیست. زندان باید وسیله اصلاح مجرم باشد و باید بعد کافی وسائل در اختیار مامورین زندان قرار گیرد تا با استفاده از نیروی فکری متخصصین و همکاری - معاضدت و معاونت آنها شخصیتی جدید و سازشکار در مجرمین ایجاد شود و بالاخره بصورت عناصری مفید برای اجتماع مآرورش یابند. کسانیکه از مجرمین و محکومین تنفر و انزجار دارند باید باین حقیقت ناز آشنا شوند که آنچه حاصل توجه بزندانیان است در حقیقت قدمی است برای رفاه اجتماع و ایجاد امنیت بیشتر جهت کشور و جلوگیری از صرف بودجه و هزینه سنگین برای دستگیری و نگاهداری مجرمین و مبارزه با جرائم و فساد. بنا بر این هدف این سطور این نیست که صرفاً حس ترحم - شفقت و ددلسوزی اشخاص را نسبت بزندانیان تحریک نماید. مولای متقیان علیه‌السلام میفرماید: «نعمتان مجهولتان الصحه والامان»: یعنی دو نعمتی که غالباً از نظر اشخاص نهفته و پنهان است سلامت و امنیت است. قوام و بقاء سعادت رفاه جوامع بشری وقتی موجود است که بتوانند از امنیت برخوردار باشند. با تجزیه و تحلیل فوق درباره نتایجی که از اجراء مجازات زندان درباره بزهکاران حاصل است بخوبی ملاحظه میشود که زندان بکیفیتی که در کشور ما وجود دارد نمیتواند امنیت کافی برای جامعه متکامل ما تامین و تضمین نماید. خاصه آنکه توسعه صنعت - بسط ارتباطات - کثرت تماسها و هجوم مردم بشهرها روز بروز اضطراراً بر میزان ارتکاب جرم و جنایت میافزاید. اگر کشور ما همان سازمان و تشکیلاتی را که شاید در قرون قبل وجود داشته است بحالت رکود و سکون حفظ نماید طبیعتاً نمیتواند جوابگوی پدیده‌های انحرافی دنیای صنعتی جدید باشد و طبیعتاً اساس امنیت اجتماعی بحکم فشار و جبر دنیای صنعتی جدید مضمحلتر و سست تر میگردد.

زندانهای کشور ما هنوز فاقد طبقه بندی صحیحی از زندانیان بمنظور رفرم و اصلاح رفتار آنها است بنا بر این باید طبق قواعد و اصول علمی نسبت باین امر با نظر متخصصین و اشخاص بصیر اقدام عاجل معمول شود. هنوز دستگاه زندان فاقد سازمانی

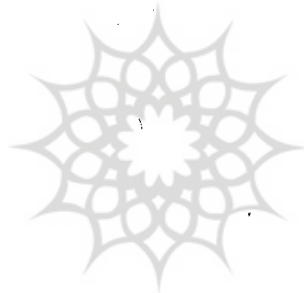
است که علل ارتکاب جرم را از طرف افراد زندانی تحقیق و دربارہ آن چاره جوئی نماید. رفع این نقیصه باید بوسیله متخصصین خبیر و صاحب نظر و از طریق تحقیقات علمی صحیح بعمل آید و سیستم کجدار و مریر بازندانی بکلی موقوف گردد. هنوز برای زندانیان کار بحد کافی موجود نیست و اوقات غالب آنها بیطالت و ولگردی در زندان میگذرد. زندان ممکن است بصورت دستگاهی تولیدی و مفید تفسیر شکل داده شود و قسمتی از هزینه آن از طریق محصولات کارگاهها تامین شود و درضمن زندانیان بحرفه ها و کارهای مختلفی که متناسب با استعداد - قابلیت و لیاقت آنها است آشنا گردند تا پس از خروج از زندان عاجز از کار نباشند و لاقبل بحکم اجبار گرد انحراف نگردند.

زندان از نظر ساختمان دارای نواقص بسیار است. ازدحام جمعیت در زندانها انجام هرگونه اصلاحی را محال و غیر ممکن میسازد. خوابگاههای ۳۰ نفری زندانها خود وسیله است برای شیوع اعمال مخالف اخلاق و ارتکاب جرم در محیط زندان نظارت و کنترل زندانیان در اینصورت مشکل و بلکه محال خواهد بود. اسکان زندانیان در سالنهای دوپست نفری با اصول علمی زندانبانی مطابقت و موافقت ندارد در زمینه سازمان زندان تحول و دگرگونی اساسی از ضروریات است زیرا وظائف و نحوه عمل هر دستگاه باید با اصول تشکیلاتی آن سازش داشته باشد. بحث درباره اینکه سیستم درمانی زندانهای ما و سازمان آن چگونه باید باشد مطلبی است که این مختصر تکافوی بیان رؤوس و اصول آنرا نمی نماید. لهذا دنباله این مبحث را باینده موکول میکنیم.

در خاتمه لازم میدانم باردیگر این نکته را یادآور شود که سازمان زندان در حدود قدرت و نیروی خود در شرائط موجود حد اکثر فعالیت را برای اجراء برنامه های مفید بحال زندانیان انجام داده است. ولی متاسفانه نگاه حمایت زندانیان با آنکه سالها از بدو تاسیس آن میگذرد هنوز قدمی که در خور توجه باشد بعمل نیآورده است. انجام هرگونه تحول و طرح هرگونه برنامه اصلاحی قاعدتا باید از طرف این سازمان بعمل آمده و برنامه های مربوط باصلاح و تحولات لازم در زندان را براساس تحقیقات صحیح پیشنهاد کرده باشد. معالاسف هنوز هیچگونه گزارشی که حکایت از این نوع تحقیقات بنماید و یا حاکی از پیشنهاد های اصولی و مفید باشد منتشر نشده است. تا حدودیکه نگارنده این سطور اطلاع دارد سازمان زندان هرگونه پیشنهاد اصولی را میپذیرد و با خشنودی سعی در اجراء آن مینماید. متصدیان امور زندان خود غالبا از اشخاص تحصیل کرده و باحسن نیت و فعالند و با تکاپوی شبانه روزی تا حدود امکان در انجام وظائف مربوط میکوشند.

بهر حال امید است که بموازات قدمهای اصلاحی و اجراء

برنامه های مفید توجهی نیز با مر زندان شود و وضع آشفته آن  
سروسامانی بخود بگیرد و اجتماع ملازمزایای امنیت بیشتر متمتع  
شود .



ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی